

عمادالملک - لایحه دولت راجع بقرار داد تجارتی بین ایران و مصر به کمیسیون محترم خارجه ارجاع شده است و هنوز بپردن آن را تقدیم مجلس نکرده اند چون يك قسمتی از نگرانیهای اهالی فارس را تأمین می کنند استدعا می کنم مقرر فرمائید هر چه زودتر راپرتش را به مجلس بفرستند که جزء دستور شود

رئیس - راپرتش رسیده است جزء دستور روز سه شنبه میشود
آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - عرضی نداشتم
رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی

(اجازه)
شیخ الاسلام - بنده چند روز قبل یاد آوری کردم مستمریات تومانی تومان که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا پیشهاد کردند يك هفته بیشتر طول نکشد از قراری که بنده شنیده ام بعضی از آنها خیلی مستحق هستند.

رئیس - در شرف اختتام است جزء دستور روز یکشنبه میشود
آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - عرضی ندارم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - عرض بنده گفته شد

رئیس - سید ابوالملك (اجازه)

سید ابوالملك - برای دوازده نفر از صاحب منصبان نظام حقوق تقاعدی معین شده بود چون خیلی در عسرت هستند خوب است جزء دستور شود

رئیس - راپرتش هنوز حاضر نشده .

نصرت الدوله - امروز صبح تقدیم شده

رئیس - پس جزء دستور روز ۴شنبه خواهد بود

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۱۸۵

صورت مشروح مجلس

یوم شنبه هفدهم

قوس ۱۳۰۱ مطابق نوزدهم

ربیع الثانی ۱۳۴۱

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم پنجشنبه

یازدهم قوس را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)
رئیس آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده در خصوص چاههای نفت عرض نکردم عقیده خود من این است که چاهها متعلق بدولت باشد عرض کردم در قانون طوری نوشته شده است که مفهومش این است که چاهها متعلق بدولت باشد والا این طور که در صورت جلسه نوشته شده اینطور می رساند که عقیده خود بنده این بوده است

رئیس در صورت جلسه دیگر ایرادی نیست

آقای امین التجار (اجازه)

امین التجار بنده در دستور عرض دارم
رئیس بفرمائید

امین التجار - تقاضا می کنم اعتبارنامه نماینده بوشهر جزء دستور امروز گذارده شود

رئیس آقای مدرس (اجازه)

مدرس در این قانون امتیاز نفت چند مطلبی است
رئیس - مسئله را که آقای امین التجار اظهار داشتند هنوز تکلیفش معلوم نشده است

در این باب مغالفی نیست قانون امتیاز نفت مطرح است

آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - در قانون امتیاز نفت چند مطلبی است که قرار آ مذاکره میشود و اهمیت دارد یکی از آن ها راجع به معین ماده یازدهم است که در حقیقت آنچه در این ماده دقت شود بجا و بموقع است و يك چیزی هم نیست که بعضی از آقایان بفرمایند متخصص نیستیم و باید از خارج متخصص بیاوریم این ماده بخصوص متعلق بخود آقایان است

دولت که عبارت از اداره کننده مملکت باشد نظر بمصالحی اجازه میدهد که در قسمتی از مملکت تفتیش کنند حالا بمقیده پیشهاد کنندگان در پنج قطعه و بمقیده بنده در چهار قطعه از مملکت تفتیش کنند که

در کجای این نقاط معدن نقاط است بسا هست این تفتیش در ملک من اتفاق می افتد بسا هست در بیابانی اتفاق می افتد که تفتیش بعمل آمد و يك چیزهایی که در شعائر اسلامی است استثنا کرده اند که تفتیشات در آن امکنه بعمل نباید مثل معابه و مشاهده والا بقیه نقاط را بزبان امروزه ما دولت و بزبان مشروطه دولت صحیح اجازه تفتیش داده

است و اجازه تفتیش باین معنی است که بفهمد مثلا در ملک من معدن فقط هست یا نه و دولت از نقطه نظر صلاح دید مملکت این اجازه داده است و بعد از تفتیش وقتی که يك قسمت را معلوم کرد معدن فقط در آنجا هست آنرا اهدا می کند و میگوید این زمین بکار من می خورد و این قسمت هائی که جدا می کنند مشتمل است اراضی بائر است و اراضی دائر متصرفه دولت و اراضی که ملك اشخاص است تقریباً سه قسم پیدا می شود يك قسم اراضی بائر است که دولت اجازه می دهد بمصاحب امتیاز که مجاناً واگذار شود آنها استخراج نمایند آن قسمت که ملك دائره دولت است دو قسم ممکن است در آن معامله شود يك قسمی که بد تر است آن قسمت که در قانون نوشته شده که مقدار لازم از آن اراضی را صاحب امتیاز بقیمت محل و نرخ معمول خریداری نماید .

و قسم دیگر که بهتر است این است که ملك را پنجاه ساله اجازه میدهد که فلان مبلغ در این مدت بایست مال الاجاره بدهد و در آخر مدت هم ملك را رها کند این قسم اخیر بمقیده بنده بهتر است قسم سوم که املاك شخصی است در دوره دوم هم امتیاز سیم نقاله به آقای ارباب کیخسرو داده شد و قرار شد چاهائی که محل حاجت است و باید ستون برقرار کنند اگر در ملك شخصی واقع شد باید تراصی بعمل آید و صاحب ملك را راضی کنند و راجع باین مسئله هم در کمیسیون مذاکره شد که اگر ملكی باشد حكه بدرود هیچ کارخانه و مؤسسه نخورد اهمیتیت ندارد منتهی صاحب ملك چون می باشد باین ملك حاجت دارند یا گرانتر اجازه می دهد یا گرانتر می فروشند و بهر نحو باشد راضی می شود ولی صحبت در املاکی است که پس از تفتیش کشف می شود معدن دارد اینجا از دو طرف اهمیت پیدا می کند یکی اینکه صاحب امتیاز فوق العاده اهمیت می دهد .

زیرا اگر بنا باشد بحال خودش باقی گذارد ممکن است صاحب ملك یا بکسی دیگر اجازه دهد یا اینکه خودش استخراج کند و زحمات صاحب امتیاز بهدر می رود و اگر بخواند بفرد صاحب ملك نظر بمعنی که در آن ملك پیدا شده است فوق العاده قیمت و اجازه ملك را گران خواهد گفت و در قانون هم نوشته شده است که دولت مراقبت خواهد داشت که در فروش یا اجازه اراضی بارعایت خصوصیات معنی اجحاف نشود و زمینی که ابتدا جریر هزار تومان قیمت داشته است البته وقتی که معدن نفتی در آن کشف شد صاحب ملك بیشتر اهمیت خواهد داد و این

مسئله هم در کمیسیون مذاکره شد و گفته شد علاج این کار این است که در این قبیل مواقع دولت دلال مسئله شود حكه با خصوصیات معنی طرفین را راضی کند و این منتهی دقتی است که در بهم آمدن معامله شده است ولی بمقیده بنده رفع تمام این اشکالات معنی بر يك قسم است و آن این است که این اراضی هم حال احتکار را دارد چنانچه وقتی شخصی کندم را احتکار کند و مردم محتاج بآن باشند و مالک هم نفروشد دیگر رضایت صاحب شرط نیست باید کندم را از او گرفته و بقیمت متعارفی بولش را بمصاحبش بپردازند چون حق عمومی تعلق گرفته است اگر صاحب راضی نشود بفروشد باید بمصاحب نمود و اینجا حرف در يك چیز است که آیا دائر مدار آن مملکت امروز مملکت را طوری محتاج می دانند که اگر این معادن استخراج نشود دچار مضیقه خواهند شد و اگر استخراج کنند رفع احتیاج خواهند شد .

مقیده شخصی بنده که پست ترین اشخاص هستم این است که استخراج این معادن مطابق ضرورت اسلام است و بلی اگر بای احتیاج در بین نباشد البته صاحب ملك حق دارد يك جریر ملك خود را صد کرور قیمت بگذارد و هر زمینی تا نجوم ارض متعلق بمصاحب ملك است و این حکم هم تأقیات از بین نخواهد رفت و هیچکس نمی تواند بگوید که ملك مالک را بزور تصاحب کنند ولی چنانچه شخصی کندم را احتکار کند در صورتیکه مردم محتاج باشند صاحب کندم نخواهد بفروشد جبراً کندم را از او گرفته و بقیمت عادلانه بولش را بمصاحب می دهند اینجا هم وقتی که محتاج استخراج معادن شدیم اگر صاحب ملك و تاجری که می خواهد معادن را استخراج کند طوری یکدیگر را قانع کردند فیها والا بایستی آن ملك را دولت از صاحب ملك گرفته و قیمت آن را بارعایت خصوصیت های معنی بمصاحبش بپردازد ولی این مسئله در موقعی است که صلاح بینان مملکت استخراج معادن را برای رفع احتیاج مملکت لازم بدانند والا اگر غیر از این باشد البته صاحب ملك می تواند بهر قیمتی که بخواهد روی ملكش قیمت بگذارد و اگر در این جا تفكیک شود یعنی فقط نوشته شود املاکی که متعلق بدولت است صاحب امتیاز حق دارد معادن آن ها را استخراج کند و املاك مالکین را باقی گذارند این ترتیبی هم عیبی ندارد و بنده هم موافقم و این هم در صورتی است که با استخراج معادن املاك دولت رفع احتیاج بشود والا اگر بآن ترتیب هم رفع احتیاج نشود یعنی تا صد ۱ املاك معینه در قانون ولو آنکه متعلق بمالك یا دولت باشد معادنش استخراج نشود رفع احتیاج نمی شود بعینه حال احتکار کندم را پیدا می کند و باید بنا

و با توجه خصوصیت های معلی ملک را از صاحب ملک گرفته و بقیعت متعارفی یولش را به صاحب ملک پرداخت این بود عقیده بنده حالا آقایان موافقت میکنند یا مخالفت متغیرند .

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده مغالافم
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله چطور ؟

حاج شیخ اسدالله - بنده هم موافقم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب موافقم
رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب - در بعضی از مواد که روزهای قبل مطرح بود این حرف مکرر گفته شد که فرض کار شکنی و مغالاف با اصل امتیاز نیست تصور میکنم اگر هم آقایان موافق نباشند اکثر آقایان با اصل امتیاز موافق هستند منتهم در بعضی از مواد اشکال هست و سبب آنهم این است که به مثل مشهور آدم مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد چون سابقا يك امتیازی داده شده است و در خصوص نفت حرفهایی زده شد با این همه حرف ها گرفتاری ها تولید شد و خلاف هادیده شد این است که در این امتیاز بایستی حرفها و هم صدائی که بنظر من می رسد بگوئیم ولو اینکه بنظر بعضی از آقایان صحیح نباشد گذشته از این دو نفر که می خواهند باهم معامله کنند و لوهر چه هم صحیح العمل و متدین و مقدس باشند باید در معامله با نظر سوء ظن بهم نگاه کنند برای اینکه صرفه هر دو طرف منظور شود مثلا وقتی که بنده میروم بازار که يك عبائی از شخص مقدسی بخرم یا این که او از من بخرد باید بنظر سوء ظن باهم صحبت کنیم یعنی من طالب صرفه خودم باهم و طرف هم طالب صرفه خودش باشد تا معامله بصرفه هر دو تمام شود حالا هم این حرف هایی که اینجا گفته می شود حاکی از این نیست که ما نمی خواهیم امتیاز نفت داده شود البته معتقدیم که باید امتیاز نفت داده شود ولی باید بنظر سوء ظن تلقی کنیم چون می خواهیم معامله کنیم و حتی المقدور باید حرف هایی بزنیم که بصرفه خودمان نزدیک تر باشد از جمله حرفهایی که بنده قبلا گفتم یکی این بود که دولت مفتش بگذارد که غیر از مواد نفتی چیز دیگری از معادن استخراج نکنند و آقایان خندیدند و گفتند این حرفها چیست که می زنی ولی چون من خودم را وکیل و يك نفر طرف معامله میدانم ناچارم این حرف ها را بگویم تا شاید معامله بصرفه ما باز نزدیک تر بشود و این حرفها را البته باید در

معامله گفت و بطرف هم نباید بر بخورد . حالا هم عرض میکنم
اولا این مواد خیلی مفصل نوشته شده است در صورتی که ممکن بود برای رفع سوء ظن جملات بهم نزدیک تر نوشته شود یا دو سه ماده شود و خود مفصل بودن این مواد برای من تولید سوء ظن میکنند یکی اینکه راجع بمالکیت شاهزاده سلیمان میرزا ایرادی کردند که بنده هم تأیید می کنم فرمایش ایشان را البته صاحب امتیاز نقاطی را که می خواهد معادن نفت استخراج کند مالک هین و مالک منفعت غیر از نفت نمی شود فقط نفت آن زمین را مالک است و این ماده این مطلب را درست نمیرساند و آقای مخبر هم در جواب شاهزاده چیز هایی فرمودند ولی دفاع ایشان مقنع نبود مثلا فرمودند بعد از ۵۰ سال اثاثه اش را بدولت واگذار می کند ممکن است صاحب امتیاز بعد از ۵۰ سال بگوید من اثاثه راجع بنفت را می دهم ولی زمین را من خودم مالکم اگر بگوئیم فقط نفت زمین را مالک بوده عبارت این قانون این حرف را نمی رساند و نمی توانیم هم بگوئیم حال ما این بوده است پس باید طوری در قانون نوشته شود که بعد از پنجده سال که بعقیده بنده زیاد است بعد از سی یا چهل سال بتواند بگوید زمین از خود من است از این حرف که بگذریم مسئله که خیلی اهمیت دارد مسئله ملک غیر است بلی دولت زمین هایی را که خودش مالک است حق دارد بصاحب امتیاز واگذار کند ولی باید دید آیا می تواند ملک غیر را هم بدون رضایت صاحبش به کیانی واگذار کند بعقیده بنده نه دولت نه شرعا و نه عرفا و نه عینا نه منفعتا حق ندارد در ملک غیر دخالت کند ولو خیلی هم جزئی باشد امام مسئله را که آقای مدرس راجع باحتکار فقط فرمودند تصور میکنم احتکار در موضوع فقط صدق نمیکند زیرا احتکار نه ظاهر است و نه متبادر بدهن (چون تبادل بفرموده علماء علامت حقیقت است) و احتکار راجع به ارزاق است و در هیچ جا گفته نشده است که فقط هم جزء ارزاق است و خود آقای مدرس فرمودند که ملک تانجوم ارض متعلق بمالک است منتهم اشکالی که پیش می آید این است که اگر مالک راضی نشود دولت اجباراً ملک را از او گرفته و بقیعت عادل با ملاحظه خصوصیات معلی وجهش را بصاحب ملک بدهد بنده که این مسئله را نمی توانم قبول کنم و تصور می کنم خود آقای مدرس و سایر آقایان هم نتوانند قبول کنند ما باید بگوئیم که دولت دلال راضی کننده مالک باشد نه اینکه اگر مالک راضی نشد بگوئیم دولت ملک را بزود از مالک بگیرد تصور

می کنم هیچکس نتواند این حرف را بزند و دولت هم این حق را نداشته باشد قانون بایستی مطابق روش و عادت و خدمت همان مملکت وضع شود قانون جزای عرفی که از تصویب مجلس نگذشته بود دولت لغو کرد چرا لغو کرد ؟ برای این که مطابق با شرع اسلام و عادات اهالی مملکت نبود پس هر قانونی که مخالف با شرع اسلام باشد برای مملکت ماسمت قانونیت ندارد و در مسئله احتکار فقط هم طوری که آقای مدرس فرمودند صدق نمی کند .
مدرس - عرض کردم در صورت احتیاج .

دست غیب - بنا بفرمایش آقای مدرس در موقع احتیاج هم باشد احتیاج بر دو قسم است احتیاج خصوصی و احتیاج نوعی و عمومی يك وقتی است مثلا شخص من محتاج بغانه که دالان داشته باشد و دالانی را هم که می خواهم برای خانه ام بسازم دهلیز خانه همسایه ام واقع شده است من مجبورم با همسایه ام صحبت کنم و او را بهر نحو هست راضی کنم این احتیاج خصوصی است ولی احتیاج نوعی باید دید تا چه اندازه احتیاج در این مسئله هست آیا احتیاج باندازه ایست که نوع مسلمانها به اندازه احتیاج دارند که باید از قانون چشم پوشید و صرف نظر کرد خیر اینطور نیست و تا تراشی بعمل نیاید نمی توانیم قبول کنیم علاوه بر این اگر چاه در خود زمین باشد اینجا اشکال بیشتر می شود زیرا مالک می گوید ملک را نه می فروشم و نه اجاره می دهم بچه قاعده ما می توانیم با اجبار ملک او را از او بگیریم فرضا احتیاج عمومی مقتضی تفتیش شد که در فلان جا مثلا نفت هست و مالک هم دارد و احتیاج هم دارند باین که این نفت را استخراج کنند و بفرض این که اگر این نفت استخراج بشود محتاج بقرض از خارجی ها می شویم کفر بر اسلام مسلط می شود با این مراتب باز هم بنده می گویم که اگر صاحب زمین راضی نشود که در ملک او چاه و استخراج نفت کنند این احتکار نیست که بزور از او گرفته شود و اگر بگوئیم احتکار کرده می گوید خودم امتیازش را می گیرم و استخراج می کنم حالا چطور می شود باو گفت تو با این که صاحب زمینی استخراج نکن و باید يك تاجر دیگر بیاید و استخراج کند؟ تصور می کنم جمش آسان و ممکن است بآن تاجر بگوئیم مذهب و ترتیب مملکت این است که در ملک غیر بدون اجازه صاحبش نمی توان تصرف نمود و باو حالی کرد هر چند شاید این اندازه ها از مملکت و دیانت ما اطلاع داشته باشد در هر صورت وقتی این اندازه ها را فهمید که در ملک غیر نمی شود چاه حفر کند مگر بر رضایت صاحبش

آنوقت ناچار است که صاحب زمین راضی کند و دیگر راهی ندارد جز اینکه برود بهر وسیله هست او را راضی کند زیرا ما نمیتوانیم در ملک غیر تصرف کنیم و علاوه این لفظ مراقبت که در این جا نوشته شده بعقیده بنده اگر عبارت اینطور نوشته شود که دولت مراقبت خواهد کرد که طرف را راضی کند هم عملی تر و هم بهتر خواهد بود و تصور می کنم این راه عملی است برای اینکه اگر فرضاً آمدند و هزار تومان بصاحب يك زمینی دادند و راضی نشد که واگذار می کند این يك چیز عملی نیست و این اندازه ها هم بنده اخلاق ایرانی را بدنی دانم و اومی دانم که این امتیاز برای مملکت او خوب است و میداند که يكمده از مسلمان ها که بیکارند مشغول کار شده و بتان می رسند با این اطلاع البته راضی خواهد شد و همانطور که گفتم شرع اسلام اجازه نمی دهد که تصرف در ملک غیر بدون رضایت صاحبش بشود اگر دید فایده نوعی دارد ممکن است دو مقابل قیمت زمین بصاحبش بدهند که البته او راضی خواهد شد پس از آنجائی که خودتان را مسلمان و متعلق باخلاق اسلامی می دانید باید ماده را بطوری که عرض کردم جرح و تعدیل نمایید و اگر اینطور نوشته شد ممکن است ما هم رأی بدیم پس اختلاف بنده از دور است یکی مالکیت مطلقه است که شاهزاده شرح دادند و بنده هم عرض کردم یکی هم در مسئله مراقبت است که باید نوشته شود دولت راضی خواهد کرد این بود مغالاف بنده و اگر باین ترتیب اصلاح شود بنده موافق میشوم

رئیس - آقای نجات (اجازه)

نجات - بنده مغالافم بعد از يك موافق

هرایض خود را عرض میکنم

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - مطالب بنده را آقای دست غیب عرض کردند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده نسبت

باین قسمت هائی که آقایان دقت می کنند که عبارات يك نوعی نوشته شود که رفع بعضی از سوء تفاهات و سوء ظن ها بشود

بنده حرفی ندارم زیرا اشکالات عبارت از است و خود این ماده هم نسبت باصل مالکیت این قدرها تصریحی ندارد بلکه می نویسد اجازه یا خریداری شود حالا باز اگر در قسمت خریداری هم آقایان اشکال داشته باشند ممکن است نوشته شود که بانی اجازه میکند که تصدیق

مالکیت را نسبت با تابع خارجه در ایران نکرده باشیم و هر چه آقایان در این ماده دقت کنند خیلی خوب است و بنده هم نمی خواهم مخالفت کنم ولی در یک قسمتی از این ماده که دو روز است در آن مذاکره می شود راجع باینکه اگر معدن نفتی در اراضی مردم یافت شود مالک چه باید بکند و صاحب امتیاز تکلیف چیست کم کرده و صاحب امتیاز در مباحثات علمی و اختلاف عقیده نظری نسبت بیک مسائل فقهی و الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم عنوان میشود و بعضی می گویند لاضرر و لاضرار مقدم است و بعضی میگویند حقوق شخصی مقدم بر حقوق عمومی است و بعضی بالعکس عقیده دارند که حقوق نوعی حاکم است بر حقوق شخصی و در این خصوص وارد شدیم و خواهشمندم آقای شیخ الاسلام اگر فرمایشی دارند تشریف بیاورند اینجا و مطالب خود را اظهار فرمایند و در بین اظهارات بنده فرمایشی نفرمایند اگر هر آینه عقیده بنده هم در یک مسئله فرمی با عقیده بعضی از آقایان مغالف باشد آقایان حق اعتراض به بنده را ندارند که چرا در یک مسئله نظری تو مغالف با عقیده ما بودی . مطالب در اصول دیانت دو قسم است یک مطالب مسلمی است که راجع باصول دیانت است که ضروری است و آنها بجای خود محفوظ است و کسی نمی تواند تغییر بدهد . یک مطالب نظری و فرمی است که البته اختلاف نظر خیلی ممکن است حاصل شود ممکن است بنده مطلب را یک طور بفهمم و آقای شیخ الاسلام طور دیگر و عقیده بنده ایشان هر دو محترم است نه ایشان می توانند عقیده بنده را تنقید کنند و نه بنده میتوانم عقیده ایشان را تنقید کنم این است که بنده این قسمت را از مطالب ضروری مذهبی نمیدانم .

مثلا همانطور که آقای مدرس اظهار فرمودند ممکن است ایشان مالک ملک را تا درجه مالک بدانند و بنده مثلا مالک ندانم و این یک مسئله نظری است . ممکن است عقیده بنده این باشد که مالک ملک با اندازه متداول و متعارف حق استفاده از ظاهر ملک دارد و موقعی که از ظاهر ارض تجاوز کند و بسط ارض برسد . بنده این را مال مالک ملک میدانم و تصور می کنم لطمه هم با اس دیانت من وارد نیاید پس بنابراین بنده عرض میکنم شاید یک دستهایی خارجی آن صاحب ملک را تطبیع کرده باشند که اگر بخواهند یک قطعه زمین را از او اجاره کنند مثلا اگر هزار تومان هم برای یک جریب زمین باو بدهند باز ارضی نشود و اجاره ندهد و بگوید ایدا نمی دهم در این موارد بعقیده بنده برای حفظ حقوق نوعی باید او را مجبور نمود

واژ او بزور گرفت مثلا در یک موردی حفظ حقوق جامعه و دیانت بالاتر از حفظ حقوق مالک است و در حقیقت حکومت دارد بر الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم و در یک موردی مایحتاج شخصی هم پیدا میشود مثلا در یک بیابانی اگر یک قطره آب داشته باشد و بکنفرم از تشنگی مشرف بموت است و آن شخص که آب دارد نمی خواهد بدهد مثلا اگر من باشم باید توی سرم بزنند و آب را بگیرند و باو بدهند یا اگر نانی داشته باشم و بکنفرم از گرسنگی مشرف بموت است باید زور را از من گرفت و بآن شخص گرسنه داد کثافت نشود در صورتی که بنده مالک آن نان هستم برای حفظ نفس محترم بنده را مجبور میکنند می گویند این حقوق شخصی است و حقوق عمومی نیست برای اینکه حفظ نفس واجب است ولی اگر حالا بگویند ای وای و اشریعتا امان بر خلاف اصول دیانت رفتار شده است و مطابق الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم نمیخواهم این نان را بدهم می شود باین حرف گوش داد ؟

و اگر یک همچو موردی پیش بیاید مثلا همین طوری که اینجا نوشته است ملاحظه فرمایند که باید اجاره با تراضی باشد کمیانی هر چه سعی کنند که مالک ملک را راضی کند و هر چه اجاره را زیاد کند مالک راضی نشود و بگویند من اجاره نمی دهم و استخراج هم منوط است باین زمین و اگر یک مطلب جزئی باشد کمیانی صرف نظر میکنند و می رود در جای دیگر چاه حفر می کنند .

اما اگر ما بحتاج شد که باید در این ملک چاه حفر شود و استخراج شود و اگر صاحب ملک ندهد زمین را این امتیاز به هم می خورد در آنجا بگوئیم تو آزاد هستی و ملک را نمی خواهی نده . خیر عقیده بنده این است که باید بحکم دیانت توی سرش هم برنیم و با جاره صاحب امتیاز بدهیم و موافق مقتضیات محلی چون در اینجا یک استفاده معدنی می شود البته بیشتر زیاد تر است باید بهمان میزان مال الاجاره آن زمین را از صاحب امتیاز بگیریم و صاحب ملک بدهیم . بنابراین بنده در این قسمت هیچ اشکالی نمی بینم و در مرقم ضرورت برای حفظ منافع عمومی هیچ مانعی ندارد که مجبور شود بکنند و ملکش را بگیرند و بصرف کمیانی بدهند منتهی بطوری که عرض کردم بارهاست مناسبات محلی و تفاوت زمین و قیمت آن یک اضافه برای مال الاجاره و قیمت زمین منظور دارند که باو بدهند بنده این را هم حرفی ندارم و این عقیده را مذهبی و عقیده مشروط می دانم و هیچ برخلاف مذهب نیست . و در اصلاح بعضی عبارات از قبیل تبدیل خریداری با جاره یا تقاسم دیگر که آقایان بخواهند دقت کنند بنده هم موافق ممکن است هر چه

بنظرشان میرسد پیشنهاد کنند البته کمسیون محترم هم پیش نهادت را قبول می کند که رفع سوعطن و سوء تفاهات بشود اما همان طوری که آقای دست غیب اظهار کردند که چون این ماده مفصل نوشته شده اسباب سوعطن می شود آماده مختصر هم ممکن است رفع سوء تفاهم و سوعطن را نکند و بنده هیچ اشکالی در این ماده نمی بینم . رئیس — مذاکرات را کافی نمی دانید ؟ (جمعی گفتند کافی و برخی اظهار نمودند کافی نیست) رئیس — رای می گویم . آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند . (اکثر نمایندگان قیام نمودند) رئیس — معلوم می شود کافی است پیش نهادت قرائت می شود . (بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم که بعد از جمله مهندسین صاحب امتیاز برای این جمله اضافه شود .

بنده پیشنهاد می نمایم جمله و در صورت اختلاف بین مالکین اراضی و صاحب امتیاز دولت مراقبت خواهد داشت که در فروش یا اجاره اراضی بارهاست خصوصیات محلی اجحاف نشود) از ماده ۱۰ حذف شود . حاج شیخ محمد حسن بنده پیش نهاد می کنم ماده یازدهم قانون امتیاز نفت چنین نوشته شود .

اراضی که در حدود امتیاز برای کندن چاه و ساختن تاسیسات و لوازم کار و بنای کارخانه های تصفیه و انبار و مخازن لازمه بتشخیص مهندسین برای صاحب امتیاز محل حاجت است و برای تاسیسات دولت ایران محل حاجت نیست اگر خالصه دولت است و هیچ منفعتی فعلا برای دولت ندارد و مجانا برای استفاده از عملیات در مدت امتیاز صاحب امتیاز واگذار می شود و اگر از بابت زراعت و غیر آن فایده برای دولت دارد بقیمت عادلانه با جاره داده می شود و اگر ملک مالکی غیر دولت است دولت آن را بقیمت عادلانه وقت خرید ب صاحب امتیاز اجاره می دهد و اگر موقوفه است با ملاحظه صرفه وقف بدون اجحاف اجاره داده می شود و اگر چاه های نفت در این اراضی بوده که صاحبان آنها استفاده میکردند و صاحب امتیاز ملتزم است که همه ساله آن مقدار فایده را باین بدهد مساجد و قبرستان ها و اماکن و مزارات متبرک که تا دو بیست پنجاه متر از هر طرف آنها از این حق مستثنی است بشرط اینکه دولت و رعایای

ایران در ظرف مدت امتیاز برای استخراج نفت بکار نبرند . ابراهیم زنجانی پیشنهاد می کنم عبارت بجای من و نرخ معمول خریداری نوشته شود عاذا در تمام مدت اجاره مدرس بنده پیشنهاد می کنم عبارت مکانی مکانی (کمیانی مکانی) است بصاحب معادن کدر املاک و اراضی شخص مردم است صدی سه از من نفه با جابهان املاک و اراضی مزبور بدهد محمد نجات است یک ترتیب خوبی است برای معطل ماده یازده باین شکل نوشته شود دولت بصاحب امتیاز حق می دهد که اراضی بایر و مزرعه متعلق باشخص را که برای مقاصد فوق الذکر لازم بداند برای تمام مدت امتیاز اجاره نماید مال الاجاره مزبور باینست از سه در صد عایدات خالصی نفتی که از آن اراضی استخراج می شود کمتر باشد و در موارد اختلاف بین مالک و کمیانی دولت حکم خواهد بود . محمد علی مافی . سید فاضل کاشانی بنده پیشنهاد می کنم عبارت اینطور نوشته شود که در فروش یا اجاره اراضی رضایت مالک بعمل آید . محقق بنده پیش نهاد می کنم که در قسمت اول (دولت مالک را راضی نماید و الا آن قطعه از زمین امتیاز خارج خواهد بود . دست غیب بنده پیشنهاد می کنم که در قسمت اراضی دایر زلف (او نرخ معمول خریداری خواهد بود) حذف شود و بجای آن نوشته شود (در مدت امتیاز بنرخ معمولی اجاره خواهد داد)

سید فاضل کاشانی چون مقداری چاه نفت در کیلان و یاره نقاط دیگر حفر شده که بطلسیاسی و غیره نگذاشته اند مالکین از آن ها استفاده کنند لهذا بنده پیشنهاد می کنم که برای این گونه نقاط هم ترتیبی داده شود دولت آبادی رئیس — ماده دوازدهم مطرح است آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده — بنده اگر در کلیات صحبت می کنم تقصیری ندارم برای این که در کلیات اجازه ندادند کسی حرف بزند لهذا در مواد آن نکته هایی که متکی بکلیات باشد بعقیده بنده خارج از موضوع نیست که بنده عرض کنم حقیقتا این قانون امتیاز نقطه بطریقی پیشنهاد شده غیر از برای تعطیل کردن وقت مجلس فایده دیگری برای آن تصور نیست و شش ماه دیگر بیشتر بمر مجلس باقی نمانده و این قانون مدتی است در مجلس مطرح شده تازه باده

تواند هم رسیده ایم در صورتی که دو ماده مهم آن هم از دستور خارج شده و باین ترتیب که مذاکره می شود مثلا در پیشنهاد آقای شیخ الاسلام سه روز صحبت شد و آخر به کمیسیون رفت تصور می کنم باین ترتیب شور اولش را هم ماموق نشویم بکنفرانیم بنده پیشنهاد می کنم که کنفرانیم رضایت ۱۱ این عبارت اضافه شود (کمیانی مکانی) است بصاحب معادن کدر املاک و اراضی شخص مردم است صدی سه از من نفه با جابهان املاک و اراضی مزبور بدهد محمد نجات است یک ترتیب خوبی است برای معطل ماده یازده باین شکل نوشته شود دولت بصاحب امتیاز حق می دهد که اراضی بایر و مزرعه متعلق باشخص را که برای مقاصد فوق الذکر لازم بداند برای تمام مدت امتیاز اجاره نماید مال الاجاره مزبور باینست از سه در صد عایدات خالصی نفتی که از آن اراضی استخراج می شود کمتر باشد و در موارد اختلاف بین مالک و کمیانی دولت حکم خواهد بود . محمد علی مافی . سید فاضل کاشانی بنده پیشنهاد می کنم عبارت اینطور نوشته شود که در فروش یا اجاره اراضی رضایت مالک بعمل آید . محقق بنده پیش نهاد می کنم که در قسمت اول (دولت مالک را راضی نماید و الا آن قطعه از زمین امتیاز خارج خواهد بود . دست غیب بنده پیشنهاد می کنم که در قسمت اراضی دایر زلف (او نرخ معمول خریداری خواهد بود) حذف شود و بجای آن نوشته شود (در مدت امتیاز بنرخ معمولی اجاره خواهد داد)

من بمالیات نفت جنوب مراجعه کردم دیدم در اصل چهار یک مالیاتی را که در تمام آن نقاط نفت خیز عایدشان می دهد و مبلغ دو هزار تومان بوده آن مبلغ را بدهد کمیانی گذاشته اند که او باید بدهد و تا این اندازه فکرشان رسیده بود و در امتیاز یک اسلواک هم دیدم قید شده است که کمیانی مثل سایر کمیانی ها باید مالیات بپردازد و حقوق گمرکی از صادرات و واردات و غیره باید بدهد و فقط از چیزی که معاف شده خرج ثبت اسناد راجعه بآن امتیاز است که این خرج را بعهده خود دولت گذاشته .

چون مادریکی از این مواد قید کرده ایم که کمیانی صد یازده اراضی را برای خودش و غیره نگذاشته اند مالکین از آن ها استفاده کنند لهذا بنده پیشنهاد می کنم که برای این گونه نقاط هم ترتیبی داده شود دولت آبادی رئیس — ماده دوازدهم مطرح است آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده — بنده اگر در کلیات صحبت می کنم تقصیری ندارم برای این که در کلیات اجازه ندادند کسی حرف بزند لهذا در مواد آن نکته هایی که متکی بکلیات باشد بعقیده بنده خارج از موضوع نیست که بنده عرض کنم حقیقتا این قانون امتیاز نقطه بطریقی پیشنهاد شده غیر از برای تعطیل کردن وقت مجلس فایده دیگری برای آن تصور نیست و شش ماه دیگر بیشتر بمر مجلس باقی نمانده و این قانون مدتی است در مجلس مطرح شده تازه باده

تقصیر خودمان است یعنی اگر واقعا متوجه باشیم که نروست مملکت زیاد شود و متوجه تقصیر اقتصادی خودمان شویم هیچ وقت نباید اینقدر اشکال تراشی کنیم که بسیاست مارنغورد و در یک موادی که بسیار سهل و آسانی است نباید اینقدر پیشنهاد کنیم که دو ماه طول بکشد بنده متوجه می کنم آقایان را بیار سال قوس که ما با چه شوق و شغفی استقبال می کردیم که باید این معادن حتما استخراج شود و مملکت مان را از فقر اقتصادی نجات دهیم اگر آن شوق و شغف الان هم در ما باشد این قانون خواهد گذشت اما اگر نظر بپارزه الفاظ باین پیشنهاد باشد که مثلا آقای آقا سید فاضل در یک مسئله چهار پیشنهاد می کنند این قانون نیکنکرد و هیچ مربوط باین نیست که قانون ناقص است اما اینکه فرمودند ما نظر بکمیانی نداریم مجلس شورای ملی می خواهد قانون امتیاز نفت شمال را وضع کند و در تحت این عنوان و این مواد اختصاصی تبیه امریکا داده است یعنی هر کس از تبیه امریکا بخواهد این امتیاز را بگیرد باید در تحت این مواد باشد این هم اهکالی نیست که وارد باشد و اما آن قسمتی که راجع بمالیات فرمودند این مسئله بدیهی است این تسهیلات برای هر کمیانی رعایت میشود و اگر آقای حائری زاده در نظر دارند که بر آن اراضی که معموره است مالیاتی بسته شود ممکن است پیشنهاد کنند که بکسیون مراجعه شود و الا از کلیه عوارض و مالیاتها معاف نیست غرض این است که بر سیل پیشنهاد چون شور اول است ممکن است عقاید خود را بفرمایند که بکسیون مراجعه شود و کمسیون هم از صاحبان پیشنهاد دعوت کرده و مسئله را حل میکند بالاخره غرض این است که حالا می خواهد عمر مجلس تمام شود ما باید یک خدمتی با هالی شمال بنمائیم این بود خلاصه عرض بنده

رئیس — آقای حاج میرزا مرتضی اجازه حاج میرزا مرتضی — چون بنده این حقوق را که کمیانی برای دولت معین کرده است خیلی کم می دانم باین جهت با نکر فتن گمرک از مواد نفتی که از مملکت خارج میشود مخالفم و عقیده دارم که از این مواد نفتی که از مملکت خارج میشود مثل امتیازاتی که در سایر ممالک داده میشود مثلا از قبیل امتیاز چاه اسلواک که آنها هم از مواد نفتی صادره گمرک می گیرند ولی نسبت به آلات و ادوات کارخانه چون بالاخره بدولت تعلق خواهد داشت از این جهت معتمد در قانون نوشته شود که از هر گونه عوارض و مالیات معاف باشد و باید از اراضی که چاه نفت در آنجا هست مالیاتهایی را که قوانین در سایر

جاهاه معمول است از او گرفته شود و آن مالیاتها را باید بدهد بنده خیلی حکمی دانم و اگر این مواد نفتی هم بدون گمرک از سرحد خارج شود تصور میکنم برای دولت چیزی باقی نماند از این جهت بنده مخالفم و عقیده دارم از مواد نفتی هم که از سرحد خارج میشود گمرک گرفته شود رئیس — آقای محمد هاشم میرزا (اجازه) محمد هاشم میرزا — فعلا عرضی ندارم رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله (گفتند — نیستند) رئیس — آقای آقا سید فاضل (گفتند تشریف ندارند) رئیس — آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه) حاج میرزا علی محمد — بنده مخالفم رئیس — آقای دست غیب چه طور ؟ دست غیب — بنده هم مخالفم رئیس — آقای مساوات (اجازه) مساوات — بنده هم مخالفم رئیس — آقای سلیمان میرزا (اجازه) سلیمان میرزا — قبل از اینکه بنده در اصل ماده داخل شوم چون دو روز است آنهک موافقین تغییر کرده و بنده هم خوشوقت نیستم که این آنهک را در مجلس داشته باشیم از این جهت همانطور که سایرین هم یادآوری کردند بنده هم مجبورم عرض کنم که مکرر در این مجلس اظهار میشود که عقاید نمایندگان آزاد است و کاملا می توانند آزادانه اظهار عقیده خود را بنمایند تا اینکه مطالب حل و تمهیه شود ولی بعضی اوقات دیده میشود که در مجلس اظهاراتی بمیان می آید که بکلی آن آزادی عقیده را تهدید می کند . مثلا بنده در یک قضیه که مخالفم لازمه اش این نیست که موافق اظهار کند که بنده اشکال تراشی میکنم . یا اینکه با هیچ ادله قائم نشده و حتی الامکان نمیخواهم این امتیاز بکنفرم و این اظهارات هیچ منطقی نیست .

خوب پس من که مخالفم فیراز اینکه اظهار مخالفت کنم چه بگویم . چطور در یک مسئله که میل آقا است موافق باشم که آن وقت آدمی خیرخواه و شخص منطقی هست ولی در هر جا که مخالف با عقیده ایشان حرف می زنم اشکال تراشی میکنم پس این چه آزادی عقیده است . این منطقی نیست که بمن بگویند تو فلان حرف را در کمسیون بودی چرا اظهار نکردی خوب بنده آن وقت یاد نبود چنانچه تا امروز هم هنوز لایحه امتیاز نفت جنوب بدست من نیامده است . وقتی که بدستم

برسد و بخوانم البته چیزهای تازه بنظرم میرسد که مجبورم در مجلس عنوان کنم یا در آخر سر در کلیات صحبت کنم پس این چه جوابی است که بمن می گویند چرا یک ماه قبل فلان مطلب را نگفتی . مثل اینکه در جلسات قبل مجلس وقتی که اظهار میشد چرا جراند را توقیف میکنند می گفتند بر خلاف امنیت مملکت صحبت می کنند لازمه امنیت مملکت این است که مردم جراند را بی جهت توقیف کنند ؟ این امنیت مملکت است ؟ خیر .

این تهدیدی است بعقیده اقلیت و اگر بنا باشد موافق میل دول خواه طرف داران امتیاز صحبت کنیم آقایان خوشوقت خواهند شد . با مملکت ایران معذور خواهد شد . گفته می شود آتیه درخشان برای این مملکت پیدامی شود .

بنده صراحتا عرض می کنم که اگر این قانون باین ترتیب فعلی بگذرد بر خیر این مملکت نخواهد بود و قدم مطلوبی دوره چهارم برنداشته است . فقط یک احتکارو همان چیزی که آقای مدرس از او می ترسند خواهد بود .

حالا اگر بنده عرض کنم این احتکار است باید موافقین بمن حمله کنند و بگویند فلانک اشکال تراشی میکنی (گرچه این عبارت را آقای مدرس فرمودند و دیگران اظهار نمودند) در هر صورت اگر بنده بگویم تا وقتی که اکثریت اسهام را در دست نداشته باشیم حکومت اقتصادی قسمت مملکت را از دست خواهیم داد آن وقت اشکال تراشی میکنم . یا اگر بگویم بر یک معجولی نمی توان رای داد جواب بنده این است که اشکال تراشی میکنی ؟

پس خوب است این عبارت را بیک دیگر نگوئیم زیرا اگر بنا باشد با اظهار این عبارات مبادرت کنیم ما هم می توانیم لغات دیگر پیدا کنیم . ما باید آزادی عقاید را حفظ کنیم .

منتهی قضاوت یک قضیه در مجلس با اکثریت و در خارج با افکار عامه است و در آتیه باوقایع مستعد است و بعد از چندین سال که می گذرد اگر این امتیاز گذشت و نتیجه اش حاصل شد آیندگان می توانند بگویند و قضاوت کنند که مخالفین راست می گفتند یا موافقین . زیرا وقتی که بوقع عمل می آید نتیجه اش معلوم می شود که این امتیاز خوب بوده یا بد ؟ در هر حال چون هنوز بهوقع عمل نیامده چیزی مکشوف نیست .

و بالاخره بعقیده بنده اینگونه حرف ها برخلاف آزادی عقیده یک نفر وکیل است . این است که بنده پروست و اعتراض و تقاضا کرده که بمن بعد یکدیگر را باین

لغات مورد حمله قرار ندهیم. اما اینکه گفته می شود ارسال مابایک شوق و شمعنی این امتیاز را تصدیق کردیم.

بله حالاهما اگر همان طور باشد تصدیق و قبول داریم و با شوق و ولع تصدیق و قبول می کنیم. آقایان نباید فراموش فرمایند که پارسال بامی گفتند که کمیانی صدی و دو حق خواهد داد و حال آنکه امروزه نصف او را که صد شانزده است بیا میدهند بنابراین بنده امروز حق داشتم از روی شوق و ذوق رأی بدهم ولی امروز چگونه قرین شوق و مسرت باشم و حال آنکه نصف آنچه را که پارسال وعده داده اند بیا میدهند. والبت امروزه حق دارم بیشتر حساب کنم و باید از روی مطالعه و دقت رأی بدهم زیرا همانطوری که صدی و دو پارسال صد شانزده شد فردا هم ممکن است احوالات و تغییرات دیگر پیش بیاید و وظیفه من که در اینجا نشسته ام این است که اگر چیزی بر ضرر این مملکت به بینم علناً اظهار کنم والا مثل مجلس مشاوره های زمان استبداد خواهد بود که آقا می گوید فلان مطلب را باید بگذرانیم دیگران هم بلا تأمل فریاد میزنند بله صحیح است. حضرت اشرف صبیح فرمودند و اگر هم اتفاقاً کسی می گفت حضرت اشرف در فلان قضیه اشتباه فرمودند خفیف ترین مجازاتش این بود که فوراً از شغل خود منفصل میشد. ما که امروزه در مملکت همچو ترتیبی نداریم و اگر یکی از ماها عقیده دارد آزادانه باید اظهار کند. بنابر این بنده در این ماده یادآوری میکنم آنچه را که سایر رفقا یادآوری کردند. بنده آنچه که مطالعه کردم در قانون چک اسلا و یک قانون دیگری که راجع بنقط ترجمه شده به مسائلی بنظر میرسد که باید بر عرض آقایان برسانم.

در مسئله محصولات نفتی و ماشین آلات در این ماده دوازدهم از هر گونه مالیات و رسومی معاف شده است بنعیده بنده چنانچه درست در عبارت غور و دقت فرمائید خواهید فهمید که این یک ضرری است باین مملکت که از تمام عوارض و رسومات و کلیه مالیاتها صاحب امتیاز معاف باشد. وقتی که برگردیم بکثرت چک اسلا که در اینجا موجود است در فصل بیستم آن می نویسد دولت متعهد می شود که از این کمیانی پیش از حقوقی که سایر شرکت های صنعتی بعنوان مالیات دریافت می دادند در یافت نکنند. اگر بعضی از آقایان همچو تصور کرده اند که چون مادر این جا صد شانزده شریک هستیم و مالیات مال ما است از یک طرف چرا از خودمان مالیات بگیریم این با حساب قدری فرق دارد زیرا مالیات را ما صد در صد

می گیریم صد شانزده آن بخودمان بر می گردد پس صد هشتاد و چهار بصره ما خواهد بود که مالیات بگیریم. علاوه ما در موقعی هم خودمان را می گیریم که کمیانی فایده از عایدات ببرد و از این قرار تا وقتی که او عایدات خالص پیدا نکرده است مایه قدری از او مالیات گرفته ایم و آن وقت صد شانزده را هم که پس بدهیم باز بقیه منتهت مال است و همین طور بعضی ملاحظات دیگر است که دولت چک اسلا و آنها را رعایت کرده است پس از این نظر و حساب بنده برای صرفه صلاح مملکت بهتر این می دانم که کمیانی را بهیچ وجه از این مالیاتها و رسومات استثنی نکنند بلکه مقید کنند که او هم مثل سایرین مالیات و عوارض خود را تأدیه کند. یک قسمت دیگر راجع بوارد کردن ماشین آلات و سایر لوازم است که در قانون چک اسلا و در فصل شانزدهم شرطی دارد که شاید این شرط هنوز در مملکت ما بلا احتیاج نباشد زیرا ما آن ماشین آلات و ادوات و سایر دستگاه و ترتیبات صنعتی را نداریم که بتوانیم لوازم کار را فراهم کنیم و چون آنها دارند از این جهت نوشته اند ولی ما شاید اینقدر همی توانیم در تهیه کردن لوازم از حیث آلات و ادوات بکمیانی کمک کنیم بنابراین این ماده چندان طرف احتیاج ما نیست ولی در فصل پانزدهم برای ماشین آلات و ادوات و اراضی یک ترتیبی معین کرده و در آخر ماده می نویسد باید این حقوق و امتیازات با قوانین داخلی مملکت مقایرت نداشته باشد بنابراین بطور صراحت تکلیفی برای گمرک آنها معین نکرده است و می توان گفت از پرداخت گمرک و مالیات معاف نیستند و راجع به ماشین آلات و ادوات صنعتی تا کمیانی نیامده بهتر می دانم کمیانی تنها را از عوارض و مالیات معاف نکنیم بلکه هر کس می خواهد ادواتی وارد مملکت کند خواه امتیاز داشته باشد و خواه نداشته باشد بطور عموم از تأدیه گمرک معاف باشد مثلاً بنده هم که یک ملکی دارم و فردا خواستم ادوات صنعتی و ماشین وارد بکنم باید از تأدیه مالیات معاف باشم برای اینکه ورود این قسم ماشین آلات صنعتی اسباب ترقی و آبادی مملکت است و چون هر کس بهرام از این قبیل ماشین ها وارد کند صرفه مملکت است نباید گمرک بدهد ملاحظه فرمائید اگر کسی امروزه ماشین طبعی وارد مملکت کند چقدر استفاده مطلوبات خواهد بود.

و چقدر برای معارف مملکت مفید خواهد بود.

یا دیگری که ماشین فلاحتی وارد می کند چقدر کمک به حال زراعت و فلاحت مملکت خواهد بود.

پس در این صورت چنانچه عرض شد

هر کس بخواهد خواه صاحب امتیاز باشد و خواه نباشد ماشین آلات و ادوات وارد کند نباید از تأدیه رسوم و گمرک معاف باشد.

غرض این است که این یک اختصاصی به کمیانی و کلیه صاحب امتیازان نباشد. باین جهت بنده یک ماده واحده پیشنهاد می کنم که کلیه اشخاصی که ماشین آلات و ادوات صنعتی وارد مملکت میکنند از حق گمرک معاف باشند تا شاید باین وسیله ماشین و دستگاه صنعتی و فلاحتی در مملکت ما زیاد شود و مردم بیکار هم مشغول کار شوند و در نتیجه بر ثروت اقتصاد مملکت افزوده شود اما راجع بخروج محصولات آن را هم بنده محتاج باینکه کمیانی تنها را مستثنی کنند نمی دانم اگر لایحه کبریت سازیکه چند روز قبل در اینجا مطرح بود شاید تا چند روز دیگر تمام شود اگر مثلاً آنها بخواهند کبریت های خود را از سرحد خارج کنند آیا گمرکی بآنها تعلق می گیرد یا نه؟

این بسته بتره گمرکی است یعنی اگر در تره گمرکی معاف از گمرک است این کمیانی هم باید معاف باشد و اگر خیر در تره گمرکی معاف نیست و باید مالیات بدهد که کمیانی هم باید تابع مقررات تره و قانون گمرکی بوده و از تأدیه مالیات تعلق نورزد و اگر مطابق مقررات تره گمرکی حق باید بدهد پس چه اختصاصی دارد که کمیانی تمام اجناس خود را بدون تأدیه گمرک از مملکت بگذرانند خلاصه این است که اگر در لایحه تره گمرکی از برای صادرات از قبیل کبریت و غیره هیچ گمرکی معین نشده که این هم در ردیف آنها خواهد بود و طبعاً حق باو تعلق نخواهد گرفت و اگر خیر گمرکی منظور شده که کمیانی هم مثل دیگران باید بدهد اگر ما این تسهیلات را از نقطه نظر صد شانزده شرکت خودمان ملاحظه می کنیم باز هم ضرر ما خواهد بود زیرا اگر این مالیات و گمرک را بگیریم فقط صد شانزده آن عایدات کمیانی این مبلغ دریافت شده است.

اگر مالیاتها اثری که امروز منظور می داریم از این نقطه نظر بخواهیم بگیریم گرفتن آن مالیاتها برای ما بصره نزدیک تر است تا گرفتن صد شانزده این است که بطور خلاصه و فهرست عرض می کنم اشکالاتی که بنده در این ماده دارم از این فراز است.

اولاً این کمیانی نباید از مالیاتها و عوارضی که از سایرین می گیرند معاف باشد.

ثانیاً راجع به ماشین آلات چنانچه عرض کردم اگر ماده واحده گذشت که عموم

ماشین آلات معاف باشد ماشین آلات این کمیانی هم معاف باشد والا تا موقعی ایرانی ها گمرک می دهند کمیانی هم باید بر تحت حکم عموم باشد و گمرک ماشین آلاتش را بدهد.

راجع بگمرک اجناسی هم که خارج می کنند آن را هم بنده بر می گردانم تره گمرکی و نباید یک امتیاز مخصوص برای این کمیانی قائل شد.

اگر مطابق تره گمرک می شود صادرات ما معاف است خروج اشیا کمیانی هم معاف باشد اگر جانی را از روسیه وارد تهران کنند و بخواهند آن را بهراق حرب ببرند اگر در موقع خروج گمرک می دهند کمیانی هم باید گمرک بدهد و اگر سایرین گمرک نمی دهند آیا شایسته است بهر جهت نباید برای کمیانی اختصاصی قائل شد.

رئیس - چند دقیقه تنفس می فرماید (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل ویس از بیست دقیقه مجدداً تشکیل شد)

رئیس - بقیه مذاکرات در لایحه نقط می ماند برای جلسه روز سه شنبه. سایر مطالبی که جزو دستور است یکی کثرت دکترویلهاست و چون جزء بوده است می ماند برای فردا مطلب دیگر تعلق نورزد و اگر مطابق مقررات تره گمرکی حق باید بدهد پس چه اختصاصی دارد که کمیانی تمام اجناس خود را بدون تأدیه گمرک از مملکت بگذرانند خلاصه این است که اگر در لایحه تره گمرکی از برای صادرات از قبیل کبریت و غیره هیچ گمرکی معین نشده که این هم در ردیف آنها خواهد بود و طبعاً حق باو تعلق نخواهد گرفت و اگر خیر گمرکی منظور شده که کمیانی هم مثل دیگران باید بدهد اگر ما این تسهیلات را از نقطه نظر صد شانزده شرکت خودمان ملاحظه می کنیم باز هم ضرر ما خواهد بود زیرا اگر این مالیات و گمرک را بگیریم فقط صد شانزده آن عایدات کمیانی این مبلغ دریافت شده است.

اگر مالیاتها اثری که امروز منظور می داریم از این نقطه نظر بخواهیم بگیریم گرفتن آن مالیاتها برای ما بصره نزدیک تر است تا گرفتن صد شانزده این است که بطور خلاصه و فهرست عرض می کنم اشکالاتی که بنده در این ماده دارم از این فراز است.

اولاً این کمیانی نباید از مالیاتها و عوارضی که از سایرین می گیرند معاف باشد.

ثانیاً راجع به ماشین آلات چنانچه عرض کردم اگر ماده واحده گذشت که عموم

آنها مقرر است البته مسئولیتی دارند می خواهم عرض کنم قانون معاکه وزراء گمرک قانون اساسی هم نوشته شده است امروز می خواهد بموقع عمل گذارده شده و نتیجه خود را ببیند ولی عنوان قانون موقت را بنده ملتفت نمی شوم و عقیده من اینست کاری که ما می کنیم باید دائمی و اساسی باشد نه موقتی و آن قانون معاکه وزراء که بمجلس آمد و کمیونی از شعب برای رسیدگی به آن انتخاب شد بنده از اعضاء کمیسیون که سؤال کردم گفتند هنر قریب بمجلس خواهد آمد از این نقطه نظر بنده با این قانون موقتی مخالفم و عقیده ام این است بکمیونی که مامور این کار است تا آید شود که زودتر قانون دائمی معاکه وزراء را تحت شور گذارده و زودتر تقدیم مجلس کنند که در مجلس مطرح شود آنوقت نمی توانیم مطمئن باشیم که موفق شده ایم در دوره چهارم این قدم بزرگ را برداشته ایم و قانون معاکه وزراء را از مجلس گذرانده ایم و بعقیده من این قانون موقتی فایده ندارد و اگر بخواهیم قدمی برای سعادت مملکت برداشته باشیم باید قانون دائمی را زودتر بمجلس آورده و بگذرانیم ما باید تمام قدمها را طبق النمل بالنمل مطابق قانون اساسی بآه و قانون اساسی قانون معاکه وزراء را دائمی نوشته نه موقتی

رئیس آقای نجف (اجازه)

نجف - هر لایحه که بمجلس می آید آقای آقا سید یعقوب فوری میفرماید اول قدم برای سعادت مملکت است ولی فوری هم مخالفت می کنند یک پیشنهادی از طرف سی و هفت نفر از نمایندگان راجع بقانون موقتی معاکه وزراء شده است ویس از آنکه قابل توجه شد می رود بهمان کمیونی که خود آقای آقا سید یعقوب می فرمایند قانون دائمی معاکه وزراء تحت مذاقه است شاید در آن کمیسیون صلاح دانستند که این قانون موقتی هم ضمیمه آن قانون دائمی شود و امروز روزی نیست که مادر اصل قانون صحبت کنیم بلی اگر آقا می فرمودند که ما گفته ایم از همین حالا وزراء بیایند و معاکه شوند از این نقطه نظر مخالفت می فرمودند باز چیزی بود والا چیزی را که حالا برای قابل توجه بودنش رأی گرفته می شود و می رود بهمان کمیونی که قانون دائمی معاکه وزراء تحت مذاقه است قابل مخالفت نیست

رئیس آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - گویا مقصود آقای آقا سید یعقوب این نبود که این قانون بدست البته عقیده بنده و تمام

و کلاً این است که اگر وزیری مرتکب خلاف میشد باید معاکه شود ولی عرض می کنم استیضاح و سؤال از وزراء برای وکیل حق بزرگی است و البته موقتی و کلاً برای عدم اعتماد بوزیر دادن بدون معاکه و وزیر معزول می شود و سبب مخالفت بنده این است که این حق را نباید کوچک کنیم و بگوئیم پانزده نفر وکیل یک لایحه بدهند و وزیر را معاکه کنند بنده از این جهت مخالفم زیرا این مسئله سبب می شود که حق و کلاً تضییع شود.

ممکن است یک نفر وکیل بمیلیات یک نفر وزیر اعتراض داشته باشد البته می تواند استیضاح کند و اگر مجلس هم رأی عدم اعتماد داد آن وزیر معزول خواهد شد

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - آقای مخالف اول فرمودند باین قانون موقتی مخالفم زیرا قانون دائمی دو کمیسیون مطرح است در صورتی که در همین مجلس قانون های موقتی زیاد ما تصویب کردیم مثل قانون موقتی هیئت منصفه که پنج روز پیش در آن رأی دادیم قانون راجع بمعاکه عدلیه را بطور موقت رأی دادیم و من مخالف بودم و حالا هم منافات ندارد که این قانون موقت را ما تصویب کنیم تا قانون دائمی از کمیسیون بیاید زیرا ممکن است موضوع نقط شش ماه دیگر هم مجلس را معطل کند و مجلس می تواند بقانون معاکه وزراء برسد عیناً این قانون موقتی را تصویب می کنیم موقتی که قانون دائمی به مجلس آمد و تصویب شد این قانون را نسخ می کند اگر هم عیناً قانون دائمی بمجلس نیامد این قانون موقتی در دست ما هست اما این که شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند یک نفر وکیل می تواند استیضاح کند و اگر اکثریت مجلس رأی عدم اعتماد داد وزیر معزول خواهد شد

بلی این را تصدیق می کنم ولی از آنطرف تقاضای پانزده نفر وکیل برای معاکه وزیر در حکم معاکه بدوی است زیرا پانزده نفر از وکلا تقاضا می کنند که یک کمیسیون شش نفری از طرف مجلس انتخاب شود و بکارهای وزراء رسیدگی کند و باین حال باز حکمت آن با اکثریت مجلس است زیرا اگر اکثریت مجلس رأی داد که کمیونی تشکیل بشود و وزراء معاکه شوند البته تشکیل نمی شود و در حقیقت این مسئله یک مسئله خطرناکی برای وزراء نیست و اگر تا این اندازه هم برای وزراء قائل بمعاکه نشویم همین بی انصافی و بی نصیحتی است

(جمعی گفتند مذاکرات)

کافی است)

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این طرحی که پیشنهاد شده است آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد این طرح باید بکجا مراجعه شود؟

حائریزاده - بنده عقیده دارم که یک کمیسیون شش نفری از شعب انتخاب شود و این راپورت را تحت نظر در آورد

رئیس - آقای فتح الدوله (اجازه)

فتح الدوله - کسر چه خود بنده هم یکی از اعضاء کنندگان هستم ولی موقتی این طرح قانونی تقدیم مجلس شد که قانون معاکه وزراء بمجلس نیامده بود و چون آن قانون دائمی جامع تر و بهتر بود لذا این قانون موقتی را می برد می دانم و با آن هم مخالف بوده ام ولی چون اکثریت مجلس رأی داد البته آن رأی مطاع و متبع است و حالا هم عقیده ام این است که بروم بهمان کمیونی که قانون دائمی در آنجا رفته است که نوافس آن قانون رفع شود

رئیس - باین ترتیب کسی مخالف نیست؟

دست قیاب - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

دست قیاب - بنده فلسفه این که این قانون بکمیونی که قانون دائمی معاکه وزراء در آنجا است برسد نفهمیدم.

اگر مقصود آقایان این است که چون آن کمیسیون برای معاکه وزراء تشکیل شده و این قانون موقتی هم راجع بمعاکه وزراء است از این نقطه نظر بروم بآن کمیسیون این فلسفه ندارد زیرا این قانون هم مدتی وقت کمیسیون را تلف خواهد کرد و باعث می شود که قانون دائمی هم باین زودی ننگردد و اگر آقای فتح الدوله و خودشان هم یکی از اعضاء کنندگان طرح قانونی و از اعضاء کمیسیون هستند با این قانون مخالفت نمی کردند بنده هم مخالفت نمی کردم بهر جهت بنده پیش نهاد می کنم که از هر شبهه یک نفر معین شود و این قانون را زودتر بگذرانند زیرا اگر بنا شود به آن کمیسیون بروم خیلی معطل خواهد شد

رئیس - رأی می گیریم بروم به کمیسیون سابق آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده راجع

بمسئله ارومیه لازم میدانم متذکر شوم که مجلس شورای ملی باید یک تصمیمی در این امر بفرماید که زودتر مساعدتی بآهالی فلک زده آنجا بشود. خوب است این موضوع زودتر مطرح شده و هر تصمیمی بنا است در این باب گرفته شود زودتر تصمیم گرفته شود زیرا این مسئله باعث زحمت و کلالی آذربایجان شده است و همه روزه با کتباً یا تلگرافاً کسب تکلیف می نمایند خوب است آقایان توجهی فرموده این مسئله را ختم نمایند.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - اجازه که بنده خواستم راجع بارومیه بود که شاهزاده محمد ولی میرزا اظهار نمودند. این مساعدتی که بنا بود با اهالی ارومیه شود برای موقع زمستان نبود بلکه برای این بود که بتوانند بذکر کاری نموده امور خود را اداره کنند و بعقیده من لازم بود کمیسیون در این باب بیشتر توجه نموده و زودتر راپورت خود را بدهد. مسئله دیگر که خواستم عرض کنم این بود که کمیسیون فواید عامه پیشنهاداتی که از تجار و وکلا به آنجا میرسد بیشتر و زودتر در آن توجه نموده که از ورود اشیا تجلی جلو گیری شده و پیشنهاد راجع بملبوس وطنی هم زودتر بمجلس بیاید.

رئیس - لایحه مساعدت با اهالی ارومیه دیروز راپورتش رسیده و پس از طبع و توزیع جزو دستور خواهد شد. آقای آقا میرزا حسن (اجازه)

آقا میرزا سید حسن - بنده می خواستم عرض کنم بعد از لایحه کمیسیون مبتکرات قانون معاکه وزراء در دستور مقدم باشد

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - یک اضافه برای دائرة تند نویسی پیشنهاد شده بود و از کمیسیون هم گذشته است بنده پیشنهاد می کنم آنهم جزو دستور فردا گذارده شود

رئیس - این مسئله را هیئت رئیسه مراقب هست

آقای رفعت الدوله (اجازه)

رفعت الدوله - قانون انتخابات مدتی است طبع و توزیع شده و چیزی هم بآخر دوره چهارم نمانده و لابد یکگاه هم در مجلس باید در آن مذاکره شود خوب است مقرر فرمائید آنهم جزو دستور باشد

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بطوری که بنده اطلاع یافته ام وزارت مالیه و وزارت پست

وتلگراف و وزارت فوائد عامه اخیراً بر فعالیتشان افزوده اند و لازم دانستم بعرض آقایان برسانم که گویا این فعالیت‌ها موافق قانون نباشد مثلاً فعالیت وزارت مالیه این است که زود زود حسابها را رسیدگی می کند و مفاسد حساب می دهد محاسبات را تسویه می کند خسارات را قبول می کند بعضی امتیازات امتداد می دهد و نمی دانم از روی کدام ترتیب و قاعده این کارها را می کند گویا فراموش کرده اند که آن اعتبار چهل هزار تومان باید صورتش ماه به ماه به مجلس بیاید و الان قریب دوسه ماه است که صورتی از آن اعتبار چهل هزار تومان نفرستاده اند و از طرف دیگر شنیده ام و شاید هم همین طور نشده باشد از اعتبار برج آینده هم مصرف شده است و اگر برای برج آینده دولت اعتباری بخواهد گمان می کنم نداشته باشد این فعالیت وزارت مالیه است . اما فعالیت وزارت فوائد عامه خیلی مفصل است مثلاً با يك ترتیبی که هیچ مناسب نبوده قراردادهایی می بندد در صورتی که معلوم نیست از روی کدام اصل این کار را می کند که در حقیقت این کارها هر کدام در موقعش موجب يك استیضاحی خواهد شد و حالا بنده بطور یادآوری عرض می کنم چون در پایان مجلس همه قسم مذاکره را می توان مطرح نمود لذا بعنوان راپورت این مسائل را بعرض آقایان میرسانم زیرا قبول کردن خسارت یا ادامه دادن کنتراست چیزهایی نیست که یک نفر وزیر می تواند شخصاً این کارها را بکند و بقدری در این موضوعها فعالیت بخرج می دهند که حتی نهارها را هم در وزارت به مت و تلگراف صرف می کنند که وقت تلف نشود و سریعتر کار بگذرد مثلاً یکی از کارهای جدی وزارت فوائد عامه این است که امتیاز بعضی راه ها را بدون اینکه بمناقصه بگذارند باز باب بهمن واگذار کرده اند و این مسئله برخلاف قانون است و اینها دخالت در اموال عمومی است و هر چه فکر میکنم می بینم بدون اطلاع نمایندگان نباید این کارها را بکنند و شاید اگر بمناقصه گذارده بودند يك اشخاصی پیدا میشد که کمتر قبول می کردند يك مسئله دیگر که خیلی مهم است این است که اخیراً شنیده ام بعضی از نوشتجات مخصوصاً در وزارت مالیه مفقود می شود .

مثلاً اگر يك دوسه را به بخواهند شاید خیلی از نوشتجات آن دوسه مفقود شده است و چون این مسئله که عرض میکنم کاملاً اطمینان ندارم لذا بطور تردید عرض میکنم مخصوصاً شنیده ام دوسه هایی که میگویند پیدا نیست دوسه حوالجات فقط جنوب است که گویا بعضی از اوراقش دست خورده است و اگر آقای وزیر مالیه اینجا تشریف داشتند و این مسئله را سؤال

مینمودم که آیا صحیح است یا سقیم خوب بود بهر جهت چون این مسائل را بر ضرر مملکت میدانستم باین جهت عرض کردم و البته هر يك از آقایان هم اطلاعاتی در این مسئله دارند باید بفرمایند . و مخصوصاً باید این مسئله را یادآوری کرد که راجع بودجه و امتیازات و وزراء بدون اطلاع مجلس نمیتواند کاری بکنند و اگر مجلس آن را تصویب نکند صحیح نیست زیرا که برخلاف قانون است و رسماً از درجه اعتبار ساقط است

رئیس - آقای داور

(اجازه)

میرزا علی اکبر خان داور - بنده

راجع به دستور عرض داشتم .

رئیس - دستور فردا هنوز گفته نشده

است مع هذا تقاضای خود را بفرمائید

داور - بنده خواستم تقاضا کنم

در اولین جلسه که ممکن باشد لایحه که از طرف دولت راجع بجمع آوری تخم ملخ رسیده و از کمیسیون گذشته جزو دستور شود . لایحه دیگری هم راجع بامراض حیوانات از طرف وزارت فوائد عامه رسیده چون موقع آن میگردد خوب است زودتر جزو دستور شود .

رئیس - آقای رئیس التجار

(اجازه)

رئیس التجار - باز یکی از آقایان

راجع بمسائل اقتصادی شرحی بیان فرمودند در صورتیکه بکرات این مسئله در مجلس سؤال شده و جواب هم عرض شده که مسائل راجع بفوائد عامه را هیئت دولتی باید پیشنهاد کنند به مجلس و از طرف مجلس به کمیسیون آمده تا کمیسیون مواد آن را تحت شور بگذارد و الا کمیسیون بخودی خود نمیتواند در این مسائل وارد شود .

رئیس - جلسه آتی به فردا سه ساعت

و ربع قبل از ظهر دستور ها او لا بودجه وزارت عدلیه . ثانیاً لایحه راجع بکنتراست دکتر ویلهلم .

ثالثاً مستمریات اگر هم وقت شد لایحه راجع بجمع آوری تخم ملخ را هم جزو دستور میگذاریم .

آقای طباطبائی

(اجازه)

میرزا سید محمد صادقی طباطبائی

لایحه حقوق چند نفر متقاعدین وزارت جنگ حاضر است تقاضا می کنم آنهم جزو دستور شود .

رئیس - هنوز حاضر نشده

است .

(مجلس یک ساعت بعد از ظهر

ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملك